

به نام خدا

موضوع:

بررسی نهاد مقررۃ ماهانه با نگاهی تطبیقی بر کشور ایران و فرانسه

زهره کفایتی

دانشجوی حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

ناشر: پایگاه اینترنتی نشر مقالات حقوقی، حق گستر

www.haghgostar.ir

فهرست مطالب

چکیده.....	۳
مقدمه.....	۴
۱- بخش اول: مفهوم و ماهیت حقوقی مقرری ماهانه.....	۶
۱-۱- مفهوم مقرری ماهانه.....	۶
۲-۱- ماهیت مقرری ماهانه.....	۷
۲- بخش دوم: ویژگیها و شرایط مقرری ماهانه با نگاهی تطبیقی بر کشور ایران و فرانسه.....	۱۰
۱-۲- ویژگیهای مقرری ماهانه.....	۱۱
۲-۲- شرایط تعلق مقرری ماهانه به هریک از زوجین.....	۱۳
۳- نتیجه گیری.....	۱۶
۴- منابع.....	۱۸

چکیده

خانواده قدیمی ترین و مهم ترین گروه اجتماعی است که بدون وجود آن زندگی در اجتماع متصور نمی باشد و به نظر می رسد تا حقوق خانواده به دقت مورد بحث قرار نگیرد، صحبت از حقوق انسان ها در جوامع بزرگتر بیهوده می نماید و این امر برای بیان ضرورت پژوهش در حوزه حقوق خانواده کافی می نماید. سوال اصلی این پژوهش این است که نهاد مقرری ماهانه تا چه حد می تواند جهت احقاق حقوق زوجین و به خصوص زنان کارآمد باشد. فرضیه مورد اثبات نگارنده نیز این می باشد که این نهاد تازه تأسیس اگر به خوبی اجرا شود و نظارت بر اجرای دقیق آن وجود داشته باشد گام مهمی در راستای عدالت خانواده برداشته خواهد شد. مقاله حاضر دارای دو بخش اصلی است که بخش اول به بررسی مفهوم و ماهیت نهاد مقرری ماهانه می پردازد و در بخش دوم ویژگیها و شرایط تعلق این مقرری به هریک از زوجین با نگاهی تطبیقی بر کشور خودمان و کشور فرانسه مورد بحث قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: مقرری ماهانه، حقوق خانواده، انحلال نکاح، حمایت های مالی

مقدمه

تجربه در طول تاریخ نشانگر این بوده است که خانواده در حفظ و گسترش قدرت ملی نقش مؤثری داشته است و پویایی جوامع در گرو پویایی خانواده‌ها می‌باشد. حقوق خانواده یکی از مهم‌ترین شاخه‌های حقوق است که دایره گسترده‌ای از مباحث حقوقی را شامل می‌شود.

هنگامی که بحث از حقوق خانواده به میان می‌آید بیشتر حقوق غیرمالی زوجین و فرزندان به ذهن متبادر می‌شود و سخن از مفاهیمی چون معاضدت زن و شوهر در زندگی مشترک و ... به میان می‌آید و همین امر موجب شده تا کمتر به آثار مالی نکاح پرداخته شود. غافل از اینکه آثار مالی نکاح نیز نقشی کمتر از آثار غیر مالی آن در روابط زوجین ندارد. با توجه به نقشی که نهاد خانواده در رشد و تعالی انسان‌ها و همچنین در پویایی جوامع به عهده دارد، این نهاد نیازمند حمایت همه‌جانبه دولت‌ها و جوامع می‌باشد.

در راستای همین امر ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر در بند ۳ تصریح می‌کند "خانواده عنصر طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از جامعه و دولت انتظار حمایت داشته باشد."

هم‌چنین ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به اتخاذ تدابیر لازم به منظور تساوی حقوق و مسئولیت‌های زوجین در ازدواج و مدت زوجیت و به هنگام انحلال نکاح اشاره می‌کند.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه و کانون رشد و تعالی انسان یاد شده است. و نهایتاً باید یادآور شد که بخش مهمی از قانون مدنی ایران به مبحث نکاح و آثار آن اختصاص یافته است.

منتها باید به این واقعیت اذعان داشت که قوانین موجود در کشور ما بیشتر بر روی دوران زوجیت تمرکز کرده و آثار پس از انحلال نکاح تا حدودی مغفول مانده است و همین امر سبب شده تا محاکم خانواده نیز کمتر به این موضوع توجه نشان دهند.

نهاد حمایتی مقرری ماهانه که متولد قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ می باشد یکی از نهادهایی است که گمان می رود تا حدودی بتواند از زن که معمولاً از نظر اقتصادی نیازمند حمایت بیشتری است و با توجه به این موضوع که در جوامع ایرانی بیشتر زنان هستند که پس از انحلال نکاح حضانت اطفال را برعهده دارند و به همین خاطر معمولاً در تنگنای مالی قرار می گیرند، حمایت کند

سوال اصلی که در این پژوهش مطرح شده این می باشد که تا چه حد می توان روی این نهاد تازه تأسیس جهت احقاق حقوق زوجین و به خصوص زنان حساب کرد و تلاش شده است تا دریابیم ویژگی های مثبت این نهاد در حقوق کشور فرانسه نسبت به نظام حقوقی ما چیست و تا چه میزان می توان این ویژگی ها را اقتباس کرده و در حقوق خودمان از آن بهره بگیریم.

فرضیه مورد اثبات مقاله نیز این است که این نهاد نوظهور اگر به دقت مورد قانون گذاری و اجرای درست قرار بگیرد می تواند گام بلندی جهت اجرای عدالت و حمایت از زنان بردارد و خلأهایی را که نهادهای حمایتی قدیمی تر داشته و دارند را به خوبی پر کند. هم چنین سعی بر آن بوده است از آن جا که بین حقوق کشور ما و نظام حقوقی کشور فرانسه شباهت های بسیاری وجود دارد و اصل این نهاد نیز به عقیده بسیاری از بزرگان از حقوق فرانسه اقتباس شده است مطالعه تطبیقی بین این دو نظام حقوقی صورت بگیرد.

نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش هایی که تا کنون در این حوزه صورت گرفته است این می باشد که در بحث حمایت های مالی پس از طلاق در بیشتر موارد تمرکز بر روی همان نهادهای شناخته شده و قدیمی مانند نفقه ایام عده، اجرت المثل و نحله بوده که اگرچه تا حدودی می توانند راهگشا باشند اما کافی به نظر نمی رسند، چه اگر کافی بود اکنون ما شاهد این بی عدالتی ها و کمبودها در حق زنان جامعه نبودیم. اما تلاش این مقاله شناسایی همه ابعاد مقرری ماهانه جهت رفع این کمبودهاست.

هم چنین مقایسه های تطبیقی که در این زمینه انجام شده است اکثراً از یک مقایسه ساده فراتر نرفته، اما در نوشتار حاضر سعی بر آن بوده که علاوه بر مقایسه دو نظام امکان سنجی کنیم و ببینیم که آیا می شود ویژگی های مثبت

این مقرری را در نظام حقوقی خودمان اجرایی کنیم یا خیر. و نیز در مبحث شرایط تعلق مقرری ماهانه به هریک از زوجین، شرایطی را به شرایط قانونی اضافه کرده و پیشنهاد می‌دهیم که اگر اجرایی شود با یک نهاد حمایتی بی نقص در حقوق ایران مواجه خواهیم شد.

بخش نخست تحقیق به بررسی مفهوم و ماهیت حقوقی نهاد مقرری ماهانه اختصاص پیدا می‌کند که مفهوم لغوی و اصطلاحی و ماهیت این نهاد و تفاوت آن با نهادهای حمایتی مشابه نظیر نفقه و ... بیان می‌شود و هم-چنین به این موضوع پرداخته می‌شود که می‌توان مقرری ماهانه را مشمول قواعد عام مسئولیت مدنی دانست یا خیر.

در بخش دوم نیز ویژگی‌های این نهاد مورد مطالعه قرار گرفته و شرایط تعلق آن به هریک از زوجین با نگاهی تطبیقی به کشور خودمان و فرانسه بررسی خواهد شد.

۱- بخش اول: مفهوم و ماهیت حقوقی مقرری ماهانه

در قسمت اول این بخش به مفهوم لغوی و اصطلاحی این نهاد و در قسمت دوم به چستی این نهاد پرداخته خواهد شد.

۱-۱- مفهوم مقرری ماهانه

کلمه مقرری از لحاظ لغوی به معنای حقوق و مواجب و وظیفه می‌باشد (جعفری لنگرودی ۱۳۸۲، ۱۶) و کلمه ماهانه در معنی مبلغی که باید هر ماهه پرداخت شود آمده است. (همان، ۶۰۴)

اصطلاح مقرری ماهانه اصطلاحی است که در حقوق ایران برای نخستین بار در ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ بیان شد که به وجود آورنده یک نهاد حمایتی نوظهور به نفع خانواده و به خصوص طرف ضعیف‌تر آن از لحاظ اقتصادی یعنی زن گردید.

طبق این ماده "دادگاه می‌تواند به تقاضای هریک از طرفین در صورتی که صدور گواهی عدم امکان سازش مستند به سوء رفتار و قصور طرف دیگر باشد او را با توجه به وضع و سن طرفین و مدت زناشویی به پرداخت مقرری ماهانه مناسبی در حق طرف دیگر محکوم می‌نماید. مشروط بر این که عدم بضاعت متقاضی و استطاعت طرف دیگر محرز باشد. پرداخت مقرری مذکور در صورت ازدواج مجدد محکوم له یا ایجاد درآمد کافی برای

او یا کاهش درآمد یا عسرت محکوم علیه یا فوت محکوم له به حکم همان دادگاه حسب مورد تقلیل یافته یا قطع خواهد شد

درموردی که گواهی عدم امکان سازش به جهات مندرج در بندهای ۵ و ۶ ماده ۸ صادر شده باشد، مقرری ماهانه با رعایت شرایط مذکور به مریض یا مجنون نیز تعلق خواهد گرفت مشروط به این که مرض یا جنون پس از عقد حاصل شده باشد و در صورت اعاده سلامت به حکم دادگاه قطع خواهد شد. طبق ماده ۸ همین قانون: در موارد زیر زن یا شوهر می تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید:

بند ۵ مقرر می دارد: ابتلاء هریک از زوجین به امراض صعب العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد.

و در بند ۶ چنین آمده است: جنون هریک از زوجین در مواردی که فسخ نکاح ممکن نباشد.

به نظر می رسد اگرچه این ماده به حمایتی مساوی از زن و مرد پرداخته است اما با توجه به وضعیت مالی و شغلی زنان، عملاً بیشتر شامل حال زنان می شود.

در واقع موضوع حکم بند اول این ماده، در صورتی که شوهر مای به جدایی است و درخواست اذن به طلاق می کند کمتر تحقق می یابد. زیرا با رجعت به احکام قانون مدنی و از جمله ماده ۱۱۳۳، به طور معمول اذن دادگاه در وقوع طلاق مستند به سوء رفتار و قصور زن نیست. نتیجه ناامید شدن از اصلاح بین زن و شوهر است. رسیدگی دادگاه محدود به ارجاع به داور و تلاش در جلوگیری از شقاق است. زن را محکوم به طلاق نمی کند و قصور و سوء رفتار او را مطرح نمی سازد. (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۸۸)

پس از شناخت مفهوم مقرری ماهانه لازم است تا با ماهیت حقوقی این نهاد نوظهور نیز آشنا شویم.

۱-۲- ماهیت مقرری ماهانه

در ابتدای بحث نکته ای که لازم به ذکر است این موضوع می باشد که در حقوق اسلام از دیرباز نهادهایی نظیر مهریه، نفقه، اجرت المثل، نحله و ... جهت حفظ حقوق زن از نظر مالی وجود داشته است. منتها مطرح شدن یا نشدن نهاد مقرری ماهانه یا چیزی شبیه این نهاد محل بحث جدی می باشد.

طبق آیه ۲۴۱ سوره مبارکه بقره، قرآن به پرداخت متاع به زنان مطلقه سفارش فرموده اما در این که این آیه در مقام بیان وجوب این پرداخت است (طوسی، ۱۴۱۷، ۳۷۵) یا استحباب آن (طبرسی، ۱۴۱۵، ۶۰۳) اختلاف نظر وجود دارد.

هدف از آمدن چنین حکمی در قرآن آن است که زن پس از جدایی و اتمام زندگی مشترک در عسرت قرار نگیرند. اما در حقوق کنونی ایران ماهیت حقوقی این نهاد مورد تردید می‌باشد.

برخی از بزرگان حقوق ایران معتقدند که مقرری ماهانه ماهیتی جز جبران ضرر ندارد، یعنی تقصیر طرف مقابل دیگری را از تداوم زندگی مشترک بازداشته است که این امر مشمول قواعد عام مسئولیت مدنی شده و شخص مقصر ملزم به پرداخت مبلغی خواهد شد. یعنی برقراری مقرری وسیله ای است برای جبران خسارت و اجرای عدالت. (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۸۹) هم چنین بیان می‌دارند که فکر جبران ضرر بی تردید مبنای ماده ۱۱ قرار گرفته است

منتها راهی که قانون گذار برای تحقق این فکر اندیشیده است از مصلحت بینی بیش از اصول حقوقی مایه گرفته است. حکمی که در نمان برای حمایت از حقوق زن آورده شده است برای تظاهر به رعایت عدالت در مورد شوهر نیز اجرا کرده است و ابهام از همین تصنع ناشی می‌شود. در واقع جبران ضرر نامشروع به عنوان حکمت ماده ۱۱ باقی مانده است.

اما این نظر قابل خدشه می‌باشد و به نظر نمی‌رسد بتوان به قواعد عام مسئولیت مدنی را در خصوص جبران ضرر به این مورد نیز تسری داد و طبق آن زوج یا زوجه را محکوم به پرداخت چنین مبلغی نمود زیرا در حقوق اسلامی زوجه به هیچ وجه الزامی به پرداخت وجه به زوج ندارد. از طرفی شرایطی که طبق ماده ۱۱ باید وجود داشته باشد تا یکی از زوجین ملزم به پرداخت چنین مبلغی شد با فلسفه جبران ضرر مغایر می‌نماید. زیرا اگر جبران ضرر نامشروع فلسفه وضع این ماده باشد پس وجود شرایطی مثل نیاز یکی از طرفین و توانایی مالی مقصر تأثیری در پرداخت این مبلغ و میزان آن نباید داشته باشد و از طرف دیگر پرداخت این مبلغ در حق یکی از زوجین که مشمول یکی از بندهای ۵ و ۶ ماده ۸ همین قانون می‌باشد، یعنی کسی که بیمار و یا مجنون است نیز با نظریه جبران ضرر ناسازگار است.

بحث دیگر در قواعد عام مسئولیت مدنی بحث تناسب بین زیان وارده و جبران خسارت می‌باشد که در این جا به هیچ وجه سخنی از تناسب نرفته است و معیارهای دیگری نظیر سن طرفین، مدت زناشویی و ... تعیین کننده

مقدار مبلغی هستند که باید پرداخت شود بی آن که در نظر گرفته شود که محکوم له در واقع چه میزان از وقوع طلاق صدمه و آسیب دیده است. بنابراین به نظر می رسد این دیدگاه نمی تواند فلسفه مناسبی برای وضع ماده ۱۱ باشد. (به نقل از مقاله فریده شکری، ۱۳۸۹، ۷)

نظر دیگری که در این خصوص مطرح می باشد و اساتید برجسته ای نیز از آن دفاع نموده اند، این است که مقرری ماهانه ماهیتاً یک نوع نفقه به حساب می آید زیرا هم در موردی که طلاق مستند به تقصیر یکی از طرفین باشد قابل مطالبه است و هم در مورد طلاق مبتنی بر مرض یا جنون. اما اگر جنبه جبران خسارت داشت فقط در مورد تقصیر یکی از زوجین قابل مطالبه بود.

در واقع خسارت متناسب با زبانی است که وارد شده اما مقرری ماهانه متناسب با معیارهای دیگری می باشد که در ماده ۱۱ پیش بینی شده است. هم چنین در جبران خسارت عدم بضاعت خواهان و استطاعت خواننده شرط نمی باشد در حالیکه در یک نوع از نفقه یعنی نفقه اقارب این امر شرط است. و نیز کاهش یا قطع مقرری ماهانه با ماهیت نفقه سازگار تر می باشد، منتها این نوع نفقه در هر طلاق اعم از بائن و رجعی قابل مطالبه است.

در واقع این نوع نفقه تابع احکام نفقه زوجه است نه نفقه اقارب و نوع خاص و جدیدی از نفقه می باشد که قواعد و ویژه ای بر آن حکومت می کند. این نوع نفقه را نباید با نفقه ایام عده اشتباه کرد چه این مقرری مربوط به ایام عده نیست و با نفقه ایام عده نیز قابل جمع نمی باشد زیرا زن با دریافت نفقه مزبور استطاعت مالی پیدا کرده و دیگر نمی تواند مقرری ماهانه دریافت کند. (صفایی، امامی، ۱۳۹۰، ۲۶۲)

ایرادی که به این دیدگاه می توان وارد آورد این می باشد که نفقه طبق حقوق اسلامی، در دو حالت پیش بینی شده است که یکی نفقه ایام زوجیت و دیگری نفقه اقارب می باشد و تا کنون سخنی از این نوع نفقه نرفته است. ضمن این که نفقه ماهیتاً در حق یک طرف جاری می باشد اما مقرری ماهانه ممکن است زن را نیز ملزم به پرداخت مبلغی در حق شوهر خود کند که این امر با ماهیتی که از نفقه می شناسیم تعارض دارد. (به نقل از مقاله فریده شکری، ۱۳۸۹، ۸)

تفاوت بنیادین این نهاد با نهادهایی هم چون اجرت المثل ایام زناشویی و نحله نیز که در بندهای الف و ب ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق پیش بینی شده اند بر همگان آشکار است. زیرا اولاً هر دوی این نهادها صرفاً به نفع زن هستند در حالیکه همان طوری که ذکر شد مقرری ماهانه می تواند به نفع زوج نیز جریان یابد.

در اجرت‌المثل، مبلغی که پرداخت می‌شود در واقع اجرت کارهایی است که زوجه به قصد عدم تبرع در منزل زوج انجام داده که وظیفه وی نیز نبوده است و زوج می‌بایستی در قبال استیفای از عمل زن، اجرت آن را بپردازد. طبق ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق دریافت اجرت‌المثل کارهای زوجه صرفاً در هنگام طلاق متصور می‌شد. اما در سال ۱۳۸۵ با الحاق یک تبصره به ماده ۳۳۶ قانون مدنی گرفتن این اجرت‌المثل در هنگام مدت زوجیت نیز متصور شد.

نحله نیز جایی مطرح خواهد شد که اجرت‌المثل به زن تعلق نگیرد و مبلغی بابت نوعی هدیه و بخشش اجباری به زن پرداخت شود. همان طور که مشخص است مبنای وضع این دو نهاد با نهاد مقرری ماهانه کاملاً متفاوت است و در مقرری ماهانه توجهی به کارهای زن در منزل شوهر و قصد تبرع یا غیر آن نمی‌شود و استیفای مرد محل بحث نیست و از همین تفاوت مبنای می‌توان استفاده نمود جهت رد ادعای کسانی که معتقدند ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق که مؤخر بر قانون حمایت خانواده تصویب شده است ناسخ این قانون می‌باشد. زیرا وقتی مبنای این نهادها با هم افتراق قابل توجهی دارند دلیلی بر نسخ مقرری ماهانه وجود نخواهد داشت و ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده به قوت خود باقی مانده است. پس از بررسی همه نهادهای مشابه و مقایسه آن‌ها با مقرری ماهانه می‌توان به این نتیجه رسید که این مقرری را نمی‌توان ماهیتاً یکی از نهادهای فوق‌الذکر نامید و باید قبول کرد که مقرری ماهانه یک نهاد جدید التأسيس می‌باشد با ویژگی‌های منحصر به فرد خود. و سعی در اینکه آن را زیرمجموعه نهادهای قدیمی بدانیم بیهوده خواهد بود.

پس از بررسی مفهوم و شناسایی ماهیت نهاد مقرری ماهانه به بحث درباره ویژگی‌های این مقرری و شرایطی که باید وجود داشته باشد تا مبلغ مقرری به یکی از زوجین تعلق بگیرد با نگاهی تطبیقی به نظام حقوقی کشور خودمان و کشور فرانسه می‌پردازیم.

۲- بخش دوم: ویژگی‌ها و شرایط مقرری ماهانه با نگاهی تطبیقی بر کشور ایران و فرانسه

ابتدا به بحث درباره ویژگی‌ها خواهیم پرداخت تا تفاوت مقرری ماهانه ای که در حقوق ما پیش بینی شده با مقرری ماهانه نظام حقوقی فرانسه روشن شود.

۲-۱- ویژگیهای مقرری ماهانه

ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده که تنها نص قانونی در زمینه مقرری ماهانه می باشد و البته مولد این نهاد است ویژگی هایی را برای مقرری ماهانه بر شمرده است که به بررسی آنها می پردازیم.

۱) مبلغی که باید تحت عنوان مقرری در حق یکی از زوجین پرداخت شود متناسب با وضع و سن طرفین و مدت زناشویی خواهد بود. و میزان آن نیز قابل تغییر است. یعنی قاضی در مقام تعیین این مبلغ این سه معیار فوق الذکر را در نظر می گیرد.

۲) میزان مبلغ مقرری ماهانه قابل کاهش است. برای این که مبلغ مقرری ماهانه کاهش یابد شرایطی در قانون احصاء شده اند که به نظر می رسد بیان این شرایط به صورت حصری است و نمی توان از طریق وحدت ملاک یا طرق دیگر شرطی را به آن اضافه نمود. زیرا هدف اولیه از وضع این ماده حمایت از زنان بوده و باید در راستای همین هدف، نهایت تلاش انجام شود تا شرایط کاهش مقرری ماهانه به حداقل برسد. مواردی که در ماده ۱۱ برای کاهش مبلغ پیش بینی شده عبارت اند از این که درآمد شخصی محکوم له افزایش یابد به طوری که نیاز به دریافت مبلغ کمتری از همسر خود داشته باشد یا اینکه محکوم علیه در اثر کاهش درآمد نتواند مقرری را به میزان سابق پرداخت نماید.

۳) مبلغی که تحت عنوان مقرری ماهانه پرداخت می شود قابل قطع شدن می باشد. برای قطع پرداخت این مبلغ نیز ماده ۱۱ قیودی را ذکر کرده که عبارت اند از ازدواج دوباره محکوم له، ایجاد درآمد کافی برای او، فوت محکوم له، اعاده سلامت مریض یا مجنونی که این مقرری در حق او پرداخت می شود و فوت محکوم علیه که این مورد آخر را از وحدت ملاک ماده ۱۱ استنباط کرده اند.

در خصوص این شرایط مطالبی قابل توجه است.

یکی این که اگرچه به نظر می رسد سن طرفین می تواند معیار خوبی جهت تعیین مبلغ مقرری باشد، زیرا افراد در سنین مختلف توانایی های مختلفی جهت اشتغال و کسب درآمد دارند و بنابراین می توان برای افراد جوان تر مقرری کمتری را نسبت به افراد سالخورده در نظر گرفت. لیکن مدت زناشویی معیار عادلانه ای به نظر نمی آید. زیرا در جوامع سنتی مثل جامعه ما، عرفا تفاوتی بین زنان مطلقه از حیث مدتی که آنها در قید زوجیت بوده اند گذاشته نمی شود و این چنین به نظر می رسد که این نمی تواند ضابطه مناسبی جهت کمی و یا زیادی مبلغ این مقرری باشد.

همچنین در مورد شرایطی که به عنوان شرایط کاهش یا قطع مقرری ماهانه مطرح شده باید به این نکته توجه داشت که الفاظی مانند "درآمد کافی" که در قانون آمده از جمله الفاظی است که می‌توان تفاسیر عرفی متعددی از آن داشت و اینکه درآمد کافی برای هر کس در شرایط زمانی و مکانی مختلف چه میزان درآمد می‌تواند باشد، امری است که اظهار نظر درباره آن ساده نمی‌باشد و به نظر می‌رسد از این لحاظ قانون با نارسایی‌هایی مواجه است.

و نیز این امر که فوت محکوم له یا محکوم علیه سبب قطع این مقرری می‌شود نشانگر این است که هر چند مقرری ماهانه جهت اجرای دقیق تر عدالت و پر کردن خلأهای موجود وضع شده لیکن با چنین ویژگی‌هایی که برای آن متصور شده است هنوز هم نمی‌تواند جای نهادهای قدیمی نظیر مهریه را بگیرد. چرا که مهریه حقی است که تحت هر شرایطی حتی فوت زوج یا زوجه باید به زوجه پرداخت گردد.

و نیز حقوق‌دانان ایران استدلال کرده‌اند که چون پرداخت مقرری ماهانه امری شخصی است بنابراین با وحدت ملاک ماده ۱۱ می‌توان فوت محکوم علیه را نیز در ذیل شرایط قطع شدن این مقرری مطرح کرد که اولاً به نظر می‌رسد این امر با روح قانون حمایت خانواده مغایر می‌نماید و دایره پرداخت این مبلغ را مضیق می‌کند و هم-چنین باید گفت شخصی بودن این نهاد از هیچ نصی استنباط نمی‌شود. چه آن‌گاه اصل نهاد مقرری ماهانه از حقوق فرانسه اقتباس شده است که در حقوق این کشور نیز سخنی از شخصی بودن نرفته است.

قانون مدنی فرانسه ویژگی‌های دیگری را برای مقرری ماهانه تدارک دیده است که به ذکر آن‌ها می‌پردازیم.

۱) طبق ماده ۲۸۱ قانون مدنی فرانسه وقتی طلاق به سبب قطع زندگی مشترک باشد طرفی که درخواست

اولیه طلاق را ارائه نموده است مکلف به همیاری کامل است. در صورت تحقق ماده ۲۳۸ یعنی طلاق به

علت بیماری همسر، تکلیف همیاری شامل هزینه‌های معالجه همسر بیمار نیز می‌شود.

۲) و طبق ماده ۲۸۲ همین قانون این همیاری که در قالب مستمری انجام می‌شود حسب نیاز مالی و تمکن

مالی هریک از زوجین سابق، قابل بازنگری توسط دادگاه است که این ویژگی مقرری ماهانه در نظام

حقوقی فرانسه کاملاً مشابه با حقوق ایران است.

۳) شباهت دیگر حقوق فرانسه با حقوق کشور ما در این زمینه، وضعیتی است که فرد مستمری بگیر، دوباره

ازدواج کند که در این صورت پرداخت مقرری به صورت قهری ساقط خواهد شد.

۴) قانون مدنی فرانسه قید دیگری را نسبت به حقوق ایران دارد و آن این است که در صورتی که فرد مستمری بگیر در وضعیت هم‌خوابگی رسمی با دیگری باشد نیز پرداخت مستمری به او ساقط می‌شود که طبق اعتقادات مذهبی پذیرفته شده ایرانیان پیش بینی چنین امری در حقوق ایران سالبه به انتفاء موضوع می‌باشد.

۵) تفاوت دیگر این نهاد در فرانسه با نهاد مشابه آن در ایران، در ماده ۲۸۴ قانون مدنی فرانسه منعکس شده است که مقرر می‌دارد مرگ کسی که مکلف به پرداخت مستمری است، تعهد وی را به وراثت او منتقل می‌کند. در صورتی که طبق حقوق مافوت مستمری ده باعث سقوط پرداخت خواهد شد.

بنابراین در قانون مدنی فرانسه که پیش بینی کننده این نهاد می‌باشد، وضع و سن طرفین یا مدت زناشویی آن‌ها تأثیری در میزان مبلغ مقرری ماهانه ندارد که این امر برخلاف حقوق ایران می‌باشد.

پس از بررسی هر دو نظام به نظر می‌رسد برای اینکه مقرری ماهانه به یک نهاد حمایتی کامل و بی نقص تبدیل شود و بتواند در جهت اجرای هدف اولیه خود که همان برقراری عدالت به نفع زوجه می‌باشد عمل کند باید سعی شود تا هرچه بیشتر از قیود و موانع این مقرری کاسته شود.

۲-۲- شرایط تعلق مقرری ماهانه به هریک از زوجین

از آنجا که ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده تنها نص قانونی است که در آن از مقرری ماهانه سخن رفته، برای بررسی شرایط این مقرری نیز ناگزیر باید به همین ماده مراجعه کنیم.

طبق ماده مذکور، هنگامی دادگاه حکم به پرداخت مقرری ماهانه در حق یکی از زوجین خواهد داد که شرایط ذیل وجود داشته باشد:

۱) گواهی عدم امکان سازش به درخواست یکی از زوجین صادر گردیده باشد. پس در مورد طلاق با توافق زوجین حکم به پرداخت مقرری نخواهد شد. به نظر می‌رسد این شرط که دایره صدور حکم پرداخت مقرری ماهانه را مضیق می‌نماید، برخلاف فلسفه وضع قانون حمایت خانواده می‌باشد. زیرا ممکن است زوجینی که ادامه زندگی مشترک را به صلاح نمی‌دانند به هر دلیلی از جمله سرعت بخشیدن به فرآیند طلاق یا جلوگیری از تنش‌های احتمالی تن به طلاق توافقی دهند که در این موارد محروم کردن زن از دریافت این مبلغ برخلاف عدالت می‌باشد.

۲) صدور گواهی عدم امکان سازش مستند به سوء رفتار و قصور طرف دیگر باشد یا مرض صعب‌العلاج یا جنون همسر، مشروط بر این که مرض یا جنون پس از عقد حادث شده باشد. که البته به نظر می‌رسد منظور از قصور در این ماده تقصیر می‌باشد. یعنی شخص عملی را انجام دهد که برخلاف قانون یا قرارداد یا عرف باشد یا عملی را که بر حسب قانون یا قرارداد یا متعارف می‌بایست انجام دهد، ترک گوید. مثلاً سوء معاشرت، ترک زندگی خانوادگی، ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون طرف دیگر باشد و ابتلا به اعتیاد مضر از موارد تقصیر به شمار می‌آید. تقصیر به این معنی شامل سوء رفتار نیز می‌شود، بنابراین ذکر قصور پس از سوء رفتار در این ماده ذکر عام پس از خاص است. تقصیر ممکن است عمدی باشد یعنی با قصد نتیجه انجام شود، یا غیر عمدی که آن را بی احتیاطی و بی مبالاتی هم می‌توان نامید. (صفایی، امامی، ۱۳۹۰، ۲۶۱). مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ در قانون مدنی تقصیر را تعریف نموده است. ضمن آنکه تقصیر موضوع این ماده را می‌توان اعم از تقصیر اخلاقی یا تقصیر حقوقی دانست. چنین تقصیری را از آن جهت می‌توان تقصیر اخلاقی دانست که هریک از زوجین با انجام اعمال خلاف مقررات شرعی و اخلاقی به صورت فعل یا ترک فعل، موجبات انحلال زندگی مشترک را فراهم می‌آورند. تقصیر حقوقی را نیز می‌توان به این دلیل بر وضعیت مزبور اطلاق نمود که هریک از زوجین تکلیف قانونی ناظر بر لزوم حسن معاشرت و معاضدت در تشیید مبانی خانواده موضوع مواد ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ قانون مدنی را نادیده گرفته و انحلال زوجیت را موجب می‌شوند. دادرس در مقام احراز تقصیر نخست، باید شرایط و اوضاع و احوالی را که شخص در آن قرار می‌گیرد مد نظر قرار دهد و در خصوص تقصیر نوع دوم که بیان شد، زیرپا گذاشتن مقررات قوانین موضوعه را احراز نماید. هرچند قصد ورود زیان وجود نداشته باشد. نکته دیگری که به نظر می‌رسد مانعی بر سر راه پرداخت این مقرری ایجاد کرده است این می‌باشد که اثبات تقصیر زوج در بسیاری از موارد امری دشوار است. به این معنی که همان مقدار که انجام طلاق به درخواست زوجه در نظام حقوقی ما دشوار می‌نماید و محاکم معمولاً دلایل زوجه را مکفی برای طلاق نمی‌دانند به تبع این امر پرداخت این مبلغ نیز در حق زوجه نیاز مند اثبات اموری است که معمولاً از اختیار زوجه خارج می‌باشد.

۳) دادگاه نمی‌تواند رأساً حکم به پرداخت مقرری ماهانه دهد. یعنی طرفی که طلاق به درخواست او واقع شده، یا طرف دیگر، یا نماینده قانونی او، در مورد مرض صعب‌العلاج و جنون باید از دادگاه تقاضای تعیین مقرری ماهانه کند. به نظر می‌رسد که این درخواست ممکن است قبل از وقوع طلاق یا پس از آن به دادگاه تقدیم شود. بدیهی است که در صورت صدور حکم به پرداخت مقرری قبل از وقوع

طلاق، اجرای حکم مشروط به وقوع طلاق خواهد بود زیرا این نهاد اصلاً برای پس از انحلال نکاح وضع شده است. یعنی در این صورت حکم دادگاه حق معلق را برای محکوم له ایجاد خواهد کرد که در صورت وقوع طلاق قطعی و منجز خواهد شد. در مورد این بند باید این توضیح بیان شود که در جامعه سنتی ما قضاات معمولاً به همان شیوه مألوف عمل کرده و اصولاً از صدور رأی که پیشینه فقهی نداشته باشد خودداری می‌نمایند. بنابراین هرچند یکی از زوجین هم درخواست صدور حکم به پرداخت مقرری را بنمایند، باز این امر منوط به نظر قاضی می‌باشد که تا چه حد تمایل به پذیرفتن این نهاد و صدور رأی بر مبنای آن دارد. با ذکر این موضوع که اگرچه مقرری ماهانه، اجرت‌المثل و نحله هر کدام مبنای متفاوتی دارند و به همین دلیل شائبه نسخ ضمنی ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده از بین می‌رود، لیکن رویه قضایی و اکثر قضاات اعتقاد بر نسخ این ماده داشته و در مقام صدور رأی توجهی به این امر نمی‌نمایند.

۴) عدم بضاعت متقاضی و استطاعت طرف دیگر محرز باشد. پس مقرری مذکور از این حیث شبیه نفقه اقارب می‌باشد. در حقوق فرانسه این امر متفاوت است. طبق اصلاحی که در سال ۱۹۷۶ در قانون مدنی فرانسه صورت گرفت مبنای پیش بینی چنین نهادی صرفاً عدم توانایی مالی هریک از زوجین در تأمین هزینه‌های زندگی پس از مفارقت می‌باشد و قصور یا تقصیر زوجین هیچ تأثیری در پیش بینی این نهاد نخواهد داشت. به موجب ماده ۲۷۰ و ۲۷۱ اصلاحی قانون مدنی فرانسه، در صورت بروز طلاق، یکی از زوجین ممکن است مکلف شود مبلغی را به عنوان جبران خسارت مربوط به مفارقت که در نتیجه انحلال نکاح در زندگی طرف دیگر ایجاد می‌شود تأدیه نماید.

در حقوق این کشور نیز اختلاف نظرهای زیادی راجع به کیفری دانستن یا ندانستن مقرری ماهانه مطرح است. اما نظری که طرفداران بیشتری دارد مبتنی بر این است که تکلیف پرداخت مقرری ماهانه به همسری الزام می‌شود که در اثر تقصیر او رابطه زناشویی منحل شده است و در نتیجه بر هم خوردن موقعیت زناشویی و محروم شدن طرف مقابل از حمایت‌هایی که در دوران زوجیت از آن برخوردار بود، طرف مقصر ملزم به جبران خسارت می‌شود. منتها تفاوتی که با حقوق ایران وجود دارد این است که هرچند اکثر اندیشمندان فرانسوی مبنای مقرری ماهانه را تقصیر یکی از زوجین قلمداد می‌کنند، اما طرفی که مستحق دریافت این مقرری است تکلیفی به اثبات تقصیر او و پیمودن این راه دراز نخواهد داشت.

۳- نتیجه گیری

مقرری ماهانه نهادی است که سابقه کمی در حقوق ایران داشته و از سال ۱۳۵۳ در حقوق کشور ما متولد شده است. این نهاد جدید، که در قانون حمایت خانواده مطرح گردیده است، اگرچه به حمایتی مساوی از زوجین پرداخته است، لیکن در نهان برای حمایت هرچه بیشتر از زوجه وضع گردیده است. در واقع اگرچه نهادهای حمایتی مالی از دیرباز در حقوق اسلام و حقوق ایران مطرح شده بوده، منتها به نظر می رسد این حمایت ها کافی نبوده و برای زنی که پس از طلاق، دوره جدید و ناشناخته ای از زندگی خویش را آغاز می نماید اطمینان کافی را ایجاد نمی کند.

مقرری ماهانه وضع شد تا بتواند نارسایی های نهادهای قدیمی را جبران نماید. اما در خصوص این مقرری در حقوق کشورمان باید توجه داشته باشیم که اگرچه پرداخت این مبلغ طبق قانون اجباری و نه اختیاری می باشد و قضات در مقام صدور رأی حتما باید به آن نیز توجه لازم را مبذول دارند، در عمل کمتر دیده شده که زنی از مبلغی تحت عنوان مقرری ماهانه برخوردار شود.

در این جا پیشنهاداتی را عرضه می کنیم که امیدواریم در رویه قضایی ایران کارآمد واقع شود.

(۱) به نظر می رسد اختصاص یافتن تنها یک ماده، آن هم نه در قوانین اصلی در زمینه نکاح، بلکه در قانون حمایت خانواده که قضات و رویه قضایی به آن به عنوان یک قانون فرعی نگاه می کنند، برای تعریف و تحلیل همه جوانب نهاد نوظهوری چون مقرری ماهانه که نیازمند تفصیل و توضیح بیشتر می باشد، کافی به نظر نمی رسد و گویا همین امر تا حدودی موجب مغفول ماندن این نهاد در نظام حقوقی ایران گردیده است و به نظر می آید چنانچه بخواهیم در راستای هدف قانون گذار از وضع قانون حمایت خانواده عمل نماییم، این امر مستلزم وضع قوانین متعدد و کارآمد و البته قابل اجرا با در نظر گرفتن شرایط عرفی جامعه ایرانی می باشد. بنابراین چنین نهادی اگر طی یک الحاقیه در قانون مدنی مطرح

شود یا اینکه یک ماده واحده مختص به آن به تصویب برسد می تواند نقش مؤثری را در احقاق حقوق زنان ایرانی ایفا نماید.

(۲) اصل نهاد مقرری ماهانه با توجه به شباهت های نظام حقوقی ایران و فرانسه از حقوق کشور فرانسه اقتباس شده است که قوانین آن کشور در جهت کمتر کردن هرچه بیشتر موانع پرداخت این مقرری عمل کرده اند. به نظر می رسد اگر نظام حقوقی ما نیز موانعی هم چون اثبات تقصیر طرفی که ملزم به پرداخت مقرری شده و... را از میان بردارد یا اینکه در طلاق های توافقی نیز آن را بپذیرد و موانعی از این قبیل را از سر راه پرداخت مقرری بردارد، زوجه مطلقه ای که اکنون حمایتی را که در دوران زوجیت از آن برخوردار بوده، از دست داده است، می تواند حمایت هرچه بیشتر قانون را نسبت به خویش احساس کند و تا حدودی از آینده پیش رو اطمینان خاطر حاصل نماید.

(۳) طبق ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده، میزان مبلغ این مقرری قابل کاهش و یا قطع شدن می باشد که این چنین به نظر می رسد برخی شرایطی که برای کاهش و قطع این مبلغ در نظر گرفته شده عادلانه نمی باشد. برای مثال منطقی است که بپذیریم زنی که با نکاح دوباره به قید زوجیت مردی دیگر درمی آید و از این طریق دوباره حمایت نهاد خانواده را احساس می کند باید از دریافت مبلغی که تحت عنوان مقرری از طرف همسر سابق به او پرداخت می شده است محروم شود اما بالا رفتن درآمد زنی که اصولاً حضانت فرزندان نیز به عهده او می باشد صرف نظر از معیارهای دیگری هم چون بالا رفتن سن فرزندان و به تبع آن بیشتر شدن نیازهای مادی آنان و صرف نظر از شرایط اقتصادی جامعه، نمی تواند معیار مناسبی برای کاهش مبلغ مقرری ماهانه باشد. در واقع متن قانون چنین نگاشته شده که گویی بالا رفتن درآمد زن به خودی خود معیاری جهت کاهش مقرری می باشد و این زن است که اگر ادعای مخالفی دارد باید اثبات نماید تا مقرری او کاهش پیدا نکند و این امر دقیقاً مغایر با آن هدفی است که قانون گذار از وضع قانون حمایت خانواده و وضع ماده ۱۱ آن داشته است. امید است با اصلاح چنین مواردی، نارسایی های موجود در این نهاد بیش از پیش از بین برود.

(۴) ۴. رویه قضایی ایران و قضات بیشتر تمایل دارند تا در مباحثی چون حقوق خانواده که درباره آن در قرآن کریم و احادیث و روایات به وفور مطلب آمده است، به همان مباحث از پیش گفته بدون توجه به نیازهای زمانه عمل کنند و آنچه آمده را کافی دانسته و حتی الامکان از اجرای نهادهایی چون مقرری ماهانه خودداری می نمایند. به ویژه این که در خصوص این نهاد، قضات این گونه استدلال می کنند که

ماده ۱۱ نسخ شده و دلیلی برای صدور رأی بر مبنای آن نمی‌بینند. حال آنکه بیان کردیم دلایلی که برای نسخ ذکر می‌شود کافی به نظر نمی‌رسد.

به نظر می‌رسد دستگاه قضایی باید تلاش کند از طریق دوره‌های آموزشی قضات، آن‌ها را از فقه گرایی صرف بازداشته و توجه ایشان را به اجرای هرچه بیشتر عدالت معطوف سازد.

۴- منابع

۱. اسدی، لیلاداد، بررسی تطبیقی معاضدتها علی‌حین طلاق و ساز آن، مندر جدر سایت www.daneprairie.com

30/2/92

۲. جعفر یلنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات گنج‌دانش، ۱۳۸۲

۳. شکری، فریده، مقرریم‌ها نهو جایگاه‌ها آندر نظام حقوقی ایران، مندر جدر سایت www.daneprairie.com

[20/2/92](http://www.daneprairie.com)

۴. صفایی، سید حسینی و امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰

۵. طبرسی، ابوعلی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، نر مافزار جامع فقه‌ها هلیت، ۱۴۱۵ ه.ق

۶. طوسی، ابو جعفر، الخلاف، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ه.ق

۷. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، چاپ هفتم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۹

۸. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲

منتشر شده در پایگاه اینترنتی نشر مقالات حقوقی، حق گستر

www.haghgostar.ir